

رضاخان و توسعه ایران

سید حسین فلاحزاده

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان تحقیق: رضاخان و توسعه ایران

پژوهشگر: فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه علمی: تاریخ و تمدن

محقق: دکتر سید حسین فلاحزاده (استادیار دانشگاه باقرالعلوم(ع))

ارزیابان علمی: دکتر منوچهر محمدی، دکتر محمدامیر شیخنوری

موضوع اصلی: بررسی توسعه ایران و نوع رویکرد به آن در عصر رضاخان

مدت انجام تحقیق: ۳ سال



رضاخان و توسعه ایران

سید حسین فلاح‌زاده

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موضوع: سید ایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۱۴۲-۲

لیتوگرافی: چاپ و صحافی: شرکت واژه‌پرداز اندیشه

سرشناسه: فلاح‌زاده، حسین، ۱۳۱۴.

عنوان و نام پدیدآور: رضاخان و توسعه ایران / حسین فلاح‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ص. قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۱۴۲-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: نییاد.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۱]-۲۶۷. یادداشت: نییاد.

موضوع: رضا پهلوی، ۱۲۵۷-۱۳۱۳.

موضوع: سیاست فرهنگی--ایران--تاریخ--۱۳۲۰-۱۳۹۱.

موضوع: ایران--تاریخ--پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۹۱.

موضوع: ایران--تاریخ--پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۹۱، سیاست و حکومت.

شماره افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۴۹۰ ۱۸۸۱ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۸۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۷۳۹۵

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار
۱۵.....	مقدمه
۱۹.....	طرح اجمالی پژوهش
۱۹.....	بیان مسئله
۲۰.....	ضرورت، اهمیت و فایده
۲۰.....	پیشینه پژوهش
۲۲.....	سؤالات اصلی
۲۳.....	سؤالات فرعی
۲۳.....	فرضیه‌های تحقیق
۲۳.....	مفاهیم و متغیرها
۲۴.....	مفروض‌ها
۲۵.....	معرفی منابع و مأخذ
۳۱.....	فصل اول: تاریخچه، مفهوم و رویکردهای توسعه
۳۳.....	مقدمه
۳۵.....	ظهور اقتصاد توسعه
۳۶.....	مفهوم توسعه اقتصادی
۳۹.....	تحول مفهوم توسعه
۴۰.....	رویکردهای گوناگون به توسعه

۴۰.....	توسعه به معنای بهره‌برداری گسترده از ذخایر طبیعی.....
۴۲.....	توسعه به معنای مدرنیزاسیون.....
۴۴.....	مدرنیزاسیون صوری (شبه‌مدرنیسم).....
۴۵.....	توسعه به معنای صنعتی‌شدن.....
۴۷.....	توسعه با رویکرد رشد اقتصادی.....
۴۷.....	دیگر رویکردها به توسعه.....
۴۸.....	انتقاد از گفتمان توسعه غربی.....
۴۹.....	ضرورت شکل‌گیری گفتمان‌های بومی توسعه.....
۵۱.....	فصل دوم: پیشینه توسعه در ایران تا عصر رضاخان
۵۳.....	مقدمه.....
۵۴.....	توسعه ایران در عصر صفویه.....
۵۶.....	قاجاریه و توسعه.....
۵۷.....	توسعه سیاسی.....
۶۱.....	تشکیلات اداری، سیاسی و دگرگونی آنها.....
۶۶.....	توسعه علمی و فرهنگی و موانع تحقق آن.....
۶۸.....	عباس میرزا و دیگر پیشگامان نوسازی ایران.....
۷۱.....	علوم دینی و قدیمه در عصر قاجاریه.....
۷۵.....	فصل سوم: رضاخان؛ از کودتا تا سلطنت مطلقه
۷۷.....	کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش.....
۷۸.....	شخصیت و سابقه رضاخان.....
۸۱.....	همسران رضاخان و فرزندان او.....
۸۲.....	خصوصیات شخصی و اخلاقی رضاخان.....
۸۳.....	زمینه‌ها و بستر شکل‌گیری کودتای ۱۲۹۹.....
۸۶.....	کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و دخالت انگلیسی‌ها در آن.....
۹۱.....	رضاخان از کودتا تا صدراعظمی.....
۹۴.....	رضاخان؛ از صدراعظمی تا سلطنت.....

عزل و فرار رضاخان	۱۰۰
فصل چهارم: توسعه سیاسی در عصر رضاخان	۱۰۳
مقدمه	۱۰۵
تعریف توسعه سیاسی	۱۰۵
پیوند توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی	۱۰۶
آزادی و توسعه	۱۰۷
رابطه میان الگوی دولت و توسعه	۱۰۸
دولت پاتریمونیال (Patrimonial State)	۱۱۰
دولت مدرن	۱۱۰
دولت نرم (Soft State)	۱۱۱
دولت غارتگر (Predator State)	۱۱۱
حکومت مطلوب	۱۱۱
توسعه سیاسی در ادبیات ما	۱۱۲
نقد و بررسی عملکرد رضاخان در زمینه توسعه سیاسی	۱۱۳
رضاخان و میراث مشروطه	۱۱۴
الگوی دولت رضاخان	۱۱۹
دولت مطلقه رضاخانی یا احیای گفتمان پاتریمونیالیسم	۱۲۰
استبداد، تمرکز قدرت و فقدان آزادی در عصر رضاخان	۱۲۳
استبداد رضاخانی، مهم‌ترین مانع توسعه سیاسی	۱۲۸
نقش شهربانی و دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی در دوره رضاخان	۱۳۱
تشکیلات اداری و نقش نظامیان در آن	۱۳۳
سرکوبی شدید عشایر	۱۳۴
جمع‌بندی	۱۴۰
فصل پنجم: توسعه فرهنگی و اجتماعی در عصر رضاخان	۱۴۱
مقدمه	۱۴۳
زمینه‌ها و علل اتخاذ سیاست‌های خاص فرهنگی از سوی رضاخان	۱۴۵

- تظاهر به مذهب از سوی رضاخان قبل از سلطنت ۱۴۷
- سیاست مذهبی جدید و شروع درگیری با روحانیت ۱۴۹
- ترور، تبعید و کشتن مدرس ۱۵۵
- دیگر اقدامات رضاخان علیه مذهب و روحانیت ۱۵۷
- توصیه‌های اردشیر جی به رضاخان درباره روحانیت ۱۵۸
- تغییر لباس ۱۵۸
- مهم‌ترین اقدامات فرهنگی اجتماعی ۱۶۲
- سفر رضاخان به ترکیه ۱۶۲
- تأثیرپذیری رضاخان از آتاتورک ۱۶۳
- برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و جشن هزاره فردوسی ۱۶۶
- تأسیس فرهنگستان ۱۶۸
- تأسیس دانشگاه تهران ۱۷۰
- استفاده از کلاه‌شاپو به جای کلاه‌پهلوی ۱۷۲
- کشف حجاب ۱۷۲
- قیام گوهرشاد ۱۷۸
- برنامه کشف حجاب پس از قیام گوهرشاد ۱۷۹
- تأسیس مراکز آموزش عمومی ۱۸۱
- مؤسسه وعظ و خطابه ۱۸۱
- سازمان پرورش افکار ۱۸۲
- تغییرات انجام گرفته در نام ایران و تقویم و تاریخ ۱۸۴
- نام ایران به جای پرس ۱۸۴
- قرار دادن ماه‌های شمسی به جای ماه‌های قمری ۱۸۵
- یکی کردن ساعات در مناطق گوناگون کشور ۱۸۵
- اقدامات اجتماعی ۱۸۶
- نوسازی سیستم قضایی ۱۸۶
- حمایت از اقلیت‌های مذهبی ۱۸۸

۱۸۹.....	راه‌اندازی کارناوال‌های شادی و رواج منکرات.....
۱۹۲.....	مخبرالسلطنه و نقد سیاست‌های فرهنگی رضاخان.....
۱۹۹.....	فصل ششم: توسعه اقتصادی در عصر رضاخان.....
۲۰۱.....	مقدمه.....
۲۰۲.....	زمینه‌های مناسب اقتصادی در آغاز عصر رضاخان.....
۲۰۴.....	توسعه ارتش و نیروی نظامی مهم‌ترین اقدام توسعه‌ای رضاخان.....
۲۱۰.....	توسعه صنعتی و کشاورزی.....
۲۱۷.....	خدمات عمومی (آموزش و پرورش، راه و راه‌آهن، بهداشت).....
۲۱۷.....	آموزش و پرورش.....
۲۲۰.....	دختران و آموزش.....
۲۲۰.....	آموزش عالی.....
۲۲۱.....	اعزام دانشجو به خارج و جذب استاد خارجی.....
۲۲۳.....	توسعه کمی آموزش در دوره رضاشاه.....
۲۲۴.....	نقد و بررسی سیاست‌های رضاخان در حوزه آموزش.....
۲۲۹.....	راه و راه‌آهن.....
۲۳۲.....	درآمدها و هزینه‌ها.....
۲۳۶.....	رضاخان و حرص شدید به جمع‌آوری اموال.....
۲۴۳.....	بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران درباره توسعه اقتصادی رضاخان.....
۲۵۵.....	نتیجه‌گیری.....
۲۶۱.....	کتابنامه.....
۲۶۹.....	نمایه اعلام.....
۲۸۳.....	نمایه موضوعی.....

پیشگفتار

رخداد بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و بلکه دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان سکولاریزه‌نمودن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود، اما روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بود. به عبارت دیگر، «انقلاب فکری» مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است. بنابراین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این تحول فکری رو به گسترش، بستر رشد و شکوفایی هرچه بیشتر را طلب نماید. از آنجا که چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین آوردگاه‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌گردد، برنامه‌ریزی و سازمان خاصی را نیاز دارد. دهه اول پس از پیروزی، به استقرار نظام و مقابله با توطئه جنگ سپری شد و فرصت اندیشه، بیشتر در عرصه عمل و تجربه انقلابی متمرکز گردید و شهدای دفاع مقدس موفق شدند فراتر از اندیشه‌ها، راه‌هایی را گشوده و پشت‌سر گذارند که غبطه عارفان و عالمان را برمی‌انگیخت. در دهه دوم با پشت سر گذاشتن دفاع مقدس، دوران بازسازی کشور براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی آغاز شد و در این عرصه، رویارویی فرهنگی برجستگی خاصی یافت و امید و انتظار چالشگری فکری و فرهنگی از نیروهای متعهد و آگاه به هویت و افق آینده ملت ایران در پرتو اسلام، بستر ساز فعالیت‌هایی سازماندهی

شده در قالب مؤسسات پژوهشی گردید.

«پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» که نهادی علمی و غیرانتفاعی می‌باشد، مولود چنین بستری است که از زمان تأسیس (دهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۳) می‌کوشد با ترویج و تبیین مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی به گونه‌ای مؤثر، چالش‌های فکری و فرهنگی در برابر انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را همچون فرصتی مغتنم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد.

این پژوهشگاه در قالب پنج پژوهشکده «حکمت اسلامی»، «دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی» و «دانشنامه‌نگاری دینی» فعالیت می‌نماید.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ‌پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، در راستای ساماندهی تأملات و کاوش‌ها در خصوص تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی و بومی را در مورد مسائل و مشکلات حوزه‌های یادشده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛

۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته جهت احیاء و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرایند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری - فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی علمی

دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و راه‌های دستیابی به عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشره و آرای مطرح‌شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند آقای دکتر سید حسین فلاح‌زاده در گروه تاریخ و تمدن پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع توسعه و نوع رویکرد به آن در دوره رضاخان می‌پردازد.

پر واضح است که بررسی تاریخ توسعه در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. این بررسی گذشته از تبیین فراز و فرود اهداف و موانع توسعه در ایران، به نقش هر یک از حکومت‌ها و حتی حاکمان و رجال برجسته در توسعه ایران در دوره معاصر نیز می‌پردازد. در کنار این مباحث، شناخت نوع رویکرد به توسعه در هر دوره تاریخی اهمیت بسزایی دارد. مجموع این بررسی‌ها می‌تواند همچون تجربه‌ای با ارزش فراوری مسئولان کنونی کشور جهت اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای توسعه قرار گیرد.

پژوهش حاضر به بررسی توسعه در دوره رضاخان اختصاص دارد. عصر پهلوی اول که به دنبال کودتای ۱۲۹۹ش آغاز و چند سال بعد با کنار زدن قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی تحقق یافت از جهات گوناگون قابل بررسی است. نظر به پاره‌ای اقدامات انجام گرفته در آن دوره در حوزه‌هایی چون اقتصاد، فرهنگ و مانند آن و اظهارنظرهای گوناگونی که در این رابطه صورت گرفته، انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسید. این پژوهش کوشیده است تا ضمن معرفی اقدامات انجام گرفته در حوزه‌های گوناگون در دوره مذکور، نسبت آنها را با مقوله توسعه سنجیده و همچنین با معرفی انواع رویکردها به توسعه، نوع رویکرد اتخاذ شده در عصر پهلوی اول به توسعه را بررسی نماید. در این پژوهش ضمن ارائه برخی آمار و گزارش‌های مستند اقتصادی، دیدگاه برخی صاحب‌نظران برجسته نیز درباره الگو و ره‌آورد توسعه در دوره مذکور مطرح شده است.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق ارجمند، جناب

آقای دکتر سید حسین فلاح‌زاده تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین از شورای علمی گروه تاریخ و تمدن، به‌ویژه ارزیابان این تحقیق، آقایان دکتر منوچهر محمدی و دکتر محمدمیر شیخ نوری، که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، نشر و توزیع این اثر است، کمال سپاس و امتنان را داریم.

در خاتمه امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های صائب خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان حوزه تاریخ و تمدن، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار ارزشمند دیگر یاری رسانند.

گروه تاریخ و تمدن

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

مقدمه

در مغرب‌زمین طی قرون جدید و به دنبال تحولات متعددی همچون رنسانس، رفرمیسم، انقلاب صنعتی و غیره به تدریج تمدن جدیدی شکل گرفت. این تمدن که بر اصول خاصی چون انسان‌گرایی، فرقه‌گرایی و غیره استوار بود، عمده مقصد و اهتمام خود را بر شناخت و به‌کارگیری طبیعت و بهبود و راحتی زندگی این‌جهانی استوار کرد. بر همین اساس، اروپاییان توانستند پس از چندی چهره فیزیکی زندگی انسانی را دچار تحولی برجسته سازند و به دستاوردهای مهم و قابل توجهی در حوزه‌های گوناگون علمی صنعتی نائل آیند.

اما درست در زمانی که این تمدن رو به پیشرفت بود، سرزمین‌های دیگر از جمله مناطق اسلامی با فاصله گرفتن از عصر طلایی پیشین خود، دستخوش شرایط نامساعدی شده بودند و روز به روز وضعیت آشفته‌تری به خود می‌گرفتند. شرایط فوق موجب شد تا به دنبال برقراری ارتباطات میان شرق و غرب و مشاهده دگرگونی‌های پدید آمده در جوامع غربی، امواج برآمده از تمدن جدید غرب در فضای دیگر نقاط نیز جریان یابد و در کشورها و مناطق گوناگون تلاش‌هایی برای خروج از وضعیت نامناسب خود و بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن جدید آغاز شود.

در ایران، این امواج نوگرایی و اصلاحات حداقل از عصر قاجاریه و دوره عباس میرزا به دلیل ارتباطاتی که در شکل‌های گوناگون با غرب پدید آمده بود، به‌خصوص جنگ‌های ایران و روس، پدیدار شد و در پی خود آثار چندی را

دربار داشت. شاید بتوان انقلاب مشروطه را در عصر قاجاریه اتفاقی برآمده از همان امواج دانست. هرچند آن انقلاب از سویی دیگر ریشه در میراث اسلامی و شیعی ایرانیان نیز داشت.

عصر رضاخان از جهت تأثیرپذیری از این امواج به گونه‌ای دیگر بود. در این روزگار نه تنها ایران بلکه مناطق دیگری از جهان اسلام مانند ترکیه نیز تحت تأثیر امواج نوگرایی قرار گرفتند. در ایران به تبع سیاست‌های اتخاذشده رژیم پهلوی اول و شخص رضاخان که در راستای ایجاد تحول و نوسازی انجام می‌گرفت، دگرگونی‌های فراوانی به وقوع پیوست که قابل تأمل است.

از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تحولات عصر مذکور را با عنوان توسعه در دوره رضاخان مورد بررسی قرار دهد و به بازکاوی کم و کیف آنها بپردازد.

این بررسی البته به دلایلی، چندان سهل و آسان نیست. نخست آنکه تجربه تاریخی نشان داده است سخن گفتن و بررسی عالمانه، محققانه و غیرجانبدارانه از عملکرد یک نظام حکومتی و یا شخص حاکمی در زمان حاکمیت آن نظام یا شخص، امکان‌پذیر نیست؛ همان‌گونه که این بررسی در دوره بعد، اما نزدیک به آن حاکمیت هم چندان آسان نیست. این دشواری عمدتاً ریشه در فقدان فضای مناسب برای پژوهشی بی‌طرفانه دارد؛ زیرا فضای سیاسی-فرهنگی در عصر یک حاکمیت، همواره با تأثیرپذیری از قدرت مطلق، در همسویی با منافع و خواست آن حاکمیت قرار دارد. وضعیتی که امکان پذیرش دیدگاه‌های منتقد را به طور اساسی منتفی کرده، طرح آن دیدگاه‌ها را ناممکن می‌سازد. طبیعی است در چنین فضایی جز تملق و چاپلوسی مجال بروز دیدگاه دیگری نیست. فراوان بودن کتب تاریخی‌ای که با چنین رویکردی نگاشته شده‌اند، خود دلیلی بر این مدعی است.

روزگاران بعد، نزدیک به عصر زوال حاکمیت‌ها نیز از جهتی دیگر مانع انجام پژوهشی جامع و بی‌طرف است؛ زیرا به طور عمده پس از سقوط یک حاکمیت و بر سر کارآمدن حاکمیتی دیگر، فضای سیاسی به‌طور عمده در تقابل با روزگار پیشین و هم‌جهت با زمان جدید می‌باشد، زیرا حاکمیت‌ها همواره می‌کوشند با نقد پیشینیان، مشروعیت خود را استوار سازند و این نگاه نقادانه

نسبت به دوره پیشین که عمدتاً تخریب‌گر نیز هست کمتر مجالی برای تحقیقات بی‌طرفانه در ارتباط با روزگار گذشته فراهم می‌آورد.

بر همین اساس، درباره عصر پهلوی اول به نظر می‌رسد دو دیدگاه در بین نویسندگان وجود دارد. یک دیدگاه که متأثر از عصر پیشین بوده و به گونه‌ای دیدگاهی وابسته به رژیم گذشته است، از عصر رضاخان به عنوان دوره‌ای با شکوه و عظمت یاد می‌کند؛ دوره‌ای که گویا سراسر عصر ترقی و پیشرفت و نو شدن بوده است. دیدگاه دوم، درست صددرصد در نقطه مقابل دیدگاه اول است. بر اساس این دیدگاه، رژیم رضاخان رژیمی صددرصد وابسته، فاسد و غیرمشروع بوده است و در سراسر عمر خود هیچ‌گونه قدم مثبت و اقدام مفیدی در جهت پیشرفت و ترقی این سرزمین بر نداشته است.

بی‌تردید در پس این دو دیدگاه موجود کلان و متناقض که بر بسیاری از پژوهش‌های ما نیز سایه افکنده است، سخن گفتن از رضاخان و اقدامات او به شکلی بی‌طرفانه کار چندان آسانی به نظر نمی‌رسد.

دشواری دیگر این پژوهش ناشی از فقدان اسناد و مدارک کافی در ارتباط با موضوع این تحقیق است. هرچند اکنون در پس گذشت حدود سی سال از فروپاشی رژیم گذشته بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به آن عصر انتشار یافته است، اما همچنان دسترسی به همه اسناد آن روزگار، به خصوص اسناد اقتصادی مشکل است.

به هر حال و به‌رغم آنچه گذشت، نگارنده کوشیده است تا در اثر حاضر در حد امکان خود را از مشکلات موجود برهاند، هرچند در مواردی گریز از همه آنها امکان‌پذیر نبوده است.

پژوهش حاضر فصول و قسمت‌های چندی را دربر دارد. در قسمت طرح اجمالی پژوهش که پیش از فصل اول جای گرفته است، به بیان مسئله تحقیق، ضرورت و اهمیت آن، بیان پیشینه، سؤالات اصلی، سؤالات فرعی، فرضیه و اموری از این قبیل که به طرح پژوهش مرتبط هستند، پرداخته شده است.

بررسی منابع و مآخذ بخش دیگری از مباحث مقدماتی را برای ورود به

فصول اصلی تشکیل می‌دهد. در آن قسمت کوشش شده است تا برجسته‌ترین منابع و مآخذ مورد استفاده در اثر حاضر به اجمال مورد بررسی قرار گیرد.

فصل اول این پژوهش، به مباحث نظری و تعریف مفاهیم برجسته اختصاص دارد. در آن فصل ضمن تعریف توسعه و بیان تاریخچه آن، رویکردهای عمده توسعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در فصل دوم به پیشینه توسعه در ایران پیش از عصر پهلوی اول با تکیه بر عصر قاجاریه پرداخته شده است.

فصل سوم نگرش حاضر به معرفی اجمالی رضاخان و چگونگی روی کارآمدن او اختصاص یافته است. فصل چهارم به بعد اثر حاضر به بررسی محورهای توسعه در عصر رضاخان مربوط می‌شود. فصل چهارم خود به توسعه سیاسی اختصاص یافته است. پس از آن، فصول پنجم و ششم به ترتیب به بررسی توسعه فرهنگی اجتماعی و توسعه اقتصادی در دوره مذکور پرداخته‌اند.

امید آن که پژوهش حاضر بتواند گامی کوچک در مباحث مهم مربوط به تاریخ توسعه در ایران معاصر بردارد؛ مباحثی که به نظر می‌رسد بررسی آنها در شناخت وضعیت موجود توسعه و انتخاب الگوهای پیش رو برای توسعه کشور اهمیت فراوان دارد.

سید حسین فلاح‌زاده

طرح اجمالی پژوهش

بیان مسئله

توسعه و توسعه‌یافتگی از جمله مسائل مهمی است که امروزه بسیاری از کشورها در سراسر جهان را به خود مشغول کرده است. کشور ما نیز حداقل در دوران معاصر با پدیده فوق روبه‌رو بوده است. در ایران در دوره‌های گوناگون اقدامات متفاوتی در ارتباط با توسعه صورت گرفته است و حاکمیت‌ها و دولت‌های گوناگون در تاریخ معاصر همگی به نوعی مدعی توجه به توسعه و انجام اقدامات مهمی در این زمینه بوده‌اند.

از جمله دوره‌های مهم تاریخ معاصر ایران، عصر پهلوی اول است. در این دوره که قریب بیست سال تداوم داشت، اقدامات متعددی در ارتباط با توسعه و دگرگونی ایران صورت گرفت. اما در ارتباط با این سؤال که این اقدامات به چه میزان به رشد و توسعه ایران کمک کرده است؟ دیدگاه‌های یکسانی وجود ندارد، بلکه برعکس دیدگاه‌های کاملاً متضادی در این زمینه وجود دارد. پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن ارائه اقدامات صورت گرفته در دوره مذکور در ارتباط با توسعه و ترقی ایران، آنها را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهد؛ دیدگاه‌های متعدد در این زمینه را مطرح کند و بالاخره سهم دوره فوق را در امر توسعه ایران بازشناسد.

ضرورت، اهمیت و فایده

همان گونه که پیش از این گذشت، مقوله توسعه از جمله مسائل بسیار اساسی‌ای است که امروزه کشورهای گوناگون با آن مواجه‌اند. ریشه این مباحث نیز به دهه‌های پیشین باز می‌گردد. به دنبال تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی که در مغرب زمین اتفاق افتاد، به تدریج کشورهای دیگر نیز در صدد برآمدند تا ضمن الگوبرگشت از غرب، سیاست‌های آنها را در کشور خود اجرا کنند. در کشور ما نیز آغاز نوگرایی و توسعه به عصر قاجاریه باز می‌گردد. در این راستا می‌توان نقش عباس میرزا و دیگرانی چون امیرکبیر را در امر توسعه ایران در دوره مذکور مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا مسئله توسعه را در دوره پهلوی اول مورد بررسی قرار دهد. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که به نظر می‌رسد هرگونه برنامه‌ریزی و تلاش امروزی برای توسعه ایران باید متکی بر مطالعات تاریخی در این زمینه باشد و به نوعی این گونه مطالعات رمز موفقیت آن به حساب می‌آید، زیرا مسائل امروز کشور ما در ارتباط با مسائل گذشته آن قرار دارد. از طرفی با توجه به رویکردهای متعددی که در ارتباط با توسعه می‌توان اتخاذ کرد، بررسی پیشینه توسعه در ایران و حتی دیگر کشورها می‌تواند به عنوان تجاربی ارزشمند برای اتخاذ رویکردهای مناسب در پیش روی برنامه‌ریزان توسعه قرار داشته باشد و آنان را از افتادن به وادی‌های ناکارآمد باز دارد.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع اقدامات اقتصادی و عمرانی صورت گرفته در دوره رضاخان تاکنون پژوهش‌های چندی انجام گرفته است. برخی از این گونه آثار با عناوین اصلاحات و برخی با عناوین دیگری هم چون توسعه اقتصادی و غیره نام گذاری شده‌اند. در اینجا به بررسی چند اثر بر حسب ترتیب انتشار آنها می‌پردازیم.

«توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه» عنوان پژوهشی است که از سوی محمدرضا خلیلی‌خوا انجام گرفته است و به نظر می‌رسد که رساله تحصیلی ایشان بوده است. این پژوهش در پنج فصل تنظیم شده است. نویسنده در فصل

اول ضمن تعریف مفاهیمی مانند نوسازی، اصلاح، توسعه و غیره به ارائه برخی از دیدگاه‌ها درباره توسعه، هم‌چون نظریه مارکسیست‌ها می‌پردازد. علاوه بر آن، برخی رهیافت‌های نوین در نوسازی را مطرح می‌کند که از جمله آنها راه نوسازی کمونیستی، فاشیستی و سرمایه‌دارانه است. وی پژوهش خود را بر اساس نظریه راه نوسازی فاشیستی استوار می‌کند. در فصل دوم به معرفی ویژگی‌های جامعه ایران پیش از رضاخان و بررسی ساخت اجتماعی و اقتصادی آن روی آورده است. فصل سوم اثر حاضر به مشروطه و تبعات آن اختصاص یافته است. موضوع ظهور رضاخان نیز در پایان همین فصل آمده است. فصل چهارم مختص به اصلاحات تاریخ بیست ساله رضاخان هم‌چون نوسازی ارتش، سیستم جدید حقوقی، نظام نوین تعلیم و تربیت، سیاست تضعیف مذهب، توسعه حمل و نقل، توسعه صنعتی و بالاخره اصلاحات اداری است. در فصل آخر کتاب حاضر نیز وضعیت جمعیت، زمین‌داری، کشاورزی و مانند آن در عصر نوسازی بررسی شده است. نویسنده در نتیجه‌گیری خود آورده است که اصلاحات رضاخان در عرصه‌های مملکت هرچند موجب تسریع تحولات اجتماعی گردید، اما عوامل توسعه ایران را از نظر کمی و کیفی فراهم نکرد و علت آن به سرشت، ماهیت و شیوه اصلاحات و شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران پیش از نوسازی باز می‌گردد.

«موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه» نیز عنوان اثر دیگری است که از سوی خلیل‌الله سردارآبادی فراهم آمده است. این اثر نیز در پنج بخش به شرح زیر مرتب شده است. بخش اول به پیشینه نظری و تاریخی مفهوم جامعه مدنی، بخش دوم به ساخت سنتی جامعه ایران در دوره قاجاریه و وقوع انقلاب مشروطه اختصاص یافته است. مؤلف در بخش سوم، واگرایی سیاسی جامعه پس از انقلاب مشروطه و در دو بخش دیگر به ترتیب حکومت سلطانی (نوپدرشاهی) رضاشاه و نوسازی اقتصادی از بالا و شکل گرفتن جامعه مدنی را مطرح کرده است. این اثر به‌طور کلی بر این فرضیه استوار است که ویژگی‌های درونی حکومت رضاشاه مانع اصلی توسعه سیاسی و تکوین جامعه مدنی در ایران بوده

است. اثر فوق همچنین می‌کوشد تا با تکیه بر نظریه نوپدرشاهی یا سلطانیسم ماکس وبر، ناکامی‌های توسعه سیاسی عصر رضاخان را بررسی کند.

عنوان اثر بعدی که می‌توان در پیشینه پژوهش حاضر از آن یاد کرد، «اصلاحات اقتصادی رضاخان و تأثیر عوامل خارجی» اثر محمدرسول آهنگران است. در این اثر، فعالیت‌ها و اصلاحات عصر رضاخان در سه بخش تولید، توزیع و مصرف مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر بر اساس این فرضیه استوار است که روح حاکم بر اصلاحات دوره رضاخان سیاسی بوده است و همه اقدامات انجام گرفته در آن مقطع در راستای سیاست دولت انگلستان برای تقویت قدرت مرکزی در ایران صورت گرفته است. این کتاب در چهار بخش با عناوین: زمینه‌های وابستگی ایران در قرن اخیر، جهت‌گیری‌های کلان در تولیدات کشور، روند توزیع و چگونگی آن و روند تغییرات در مصرف تدوین یافته است.

«دولت پهلوی و توسعه اقتصادی» عنوان پژوهش دیگری در این زمینه است. این کتاب که به وسیله ابراهیم عباسی فراهم آمده است، در دو بخش و چهار فصل تنظیم شده است. مؤلف در بخش اول به مباحث نظری هم‌چون توسعه، مفاهیم و راه‌های توسعه و دولت در جوامع مدرن و در بخش دوم به ناکارآمدی دولت در عرصه ساختاری و کارکردی و تحقق نیافتن توسعه اقتصادی در ایران پرداخته است. اثر مذکور علاوه بر عصر رضاخان به روزگار محمدرضا نیز نظر دارد. مؤلف در مجموع کوشیده است با توجه به نظریه ساخت نئوپاتریمونالیسم رژیم پهلوی، ناکامی آن در عرصه توسعه اقتصادی را توجیه نماید.

اما با وجود فراهم آمدن این گونه آثار به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های دیگری در دوره مذکور همچنان ضروری است، زیرا هنوز زوایای دیگری از این دوره باقی مانده است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

سؤالات اصلی

۱. دست‌اندرکاران عصر پهلوی اول کدامین رویکرد به توسعه را مدنظر داشته‌اند؟
۲. در دوره حاکمیت پهلوی اول چه اقداماتی در راستای توسعه ایران

صورت گرفته است و این اقدامات به چه میزان توانسته است به توسعه ایران در دوره مذکور منتهی شود؟

سؤالات فرعی

۱. توسعه به چه معنی است و چه رویکردهایی به توسعه وجود دارد؟
۲. پیش از عصر رضاخان به خصوص در دوره قاجاریه، چه اقداماتی در راستای توسعه ایران انجام گرفته است؟
۳. چه زمینه‌ها و عواملی موجب به قدرت رسیدن رضاخان در ایران شد؟
۴. در دوره رضاخان چه اقداماتی در راستای توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران صورت گرفته است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. دست‌اندرکاران رژیم پهلوی اول توسعه را به معنای مدرنیزاسیون و آن هم بیشتر در شکل صوری آن در نظر می‌گرفتند.
۲. در عصر مذکور نظر به فهم صوری و سطحی از توسعه و خواست‌های پنهانی رژیم از پروژه نوسازی، اقدامات انجام گرفته هرچند قابل توجه بود، اما به توسعه واقعی کشور منتهی نشد.

مفاهیم و متغیرها

با توجه به آنکه در فصل اول پژوهش حاضر مفاهیمی چون توسعه، رویکردهای توسعه، نوسازی و مدرنیزاسیون و مانند آن تعریف شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در اینجا از ذکر مجدد آنها پرهیز می‌شود.

متغیر مستقل: فهم نادرست و سطحی از مدرنیزاسیون غربی؛ خواست‌های پنهانی رژیم از توسعه همانند افزایش قدرت دولت مرکزی و حذف رقاباتی چون ایلات و همچنین روحانیت.

متغیر تابع: الگوی توسعه رضاخانی.

مفروض‌ها

۱. جامعه ایران حداقل از عصر قاجاریه به بعد تحت تأثیر امواج توسعه و نوگرایی غرب قرار داشته است.
۲. در دوره پهلوی اول برخی اقدامات در راستای تحول و دگرگونی جامعه ایران انجام گرفته است.
۳. اقدامات انجام گرفته در تمامی کشورهای در حال توسعه همواره تابعی از نگرش و نوع زاویه دید آنان به مفهوم توسعه از یکسو و خواست‌های حاکمیت و مانند آن از سویی دیگر بوده است.